

تلاش با طعم معنوی

یکی از مسائلی که در جامعه اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است و مردم باید بدان توجهی درخور مبذول دارند، توکل به خداوند است.



توکل نه به معنای تنبلی، بلکه رنگ‌الهی‌دادن به کار و تلاش است
تلاش با طعم معنوی

یکی از مسائلی که در جامعه اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است و مردم باید بدان توجهی درخور مبذول دارند، توکل به خداوند است.

توکل از جمله مواردی است که از آرای پیامبر و ائمه نشأت گرفته و تأثیری عظیم در فرهنگ و اندیشه مسلمانان داشته است. توکل نزد پیامبر اعتماد به خداوند و تلاش و کوشش همراه با آن بوده است؛ توکلی که منظور نظر پیامبر بوده به اشعار شاعرانی همچون مولانا نیز سریان یافته است. مولانا در پیروی از حضرت محمد(ص)، توکل بدون تلاش را امری مذموم می‌پندارد و چنین توکلی را نهی کرده و آن را نمونه جهل آدمی می‌داند. او بر این تفکر است که آدمی باید در تمام مراحل زندگی خود به خداوند توکل کند؛ در حالی که همراه آن به کسب و کار بپردازد. او در داستان شیر و نجیب‌ان به توکلی که پیامبر، مسلمانان را بدان سفارش فرموده اشاره کرده است.

گفت پیغمبر به‌آواز بلند / با توکل زانوی اشتر ببند

رمز الکاسب حبیب الله شنو / از توکل در سبب غافل مشو

در قرآن نیز در موارد بسیاری از توکل یاد شده است. زندگی حضرت ابراهیم، مشحون از توکل است. زندگی او آکنده از خطر آسیب رساندن بت پرستان به وی بود، اما او به خداوند توکل کرد و به منظور اثبات یکتایی و یگانگی خداوند به بت‌کده رفت و بت‌ها را نابود کرد. بت پرستان به دلیل از بین رفتن بتان خویش او را در آتش انداختند، اما توکل وی بر خداوند باعث شد آتش بر وی گلستان شود. هنگامی که حضرت ابراهیم، هاجر و اسماعیل را به مکه برد، باز هم به خداوند توکل کرد. او آنها را در بیابانی تنها رها کرد، در حالی که می‌دانست هاجر نیز به خاطر تلاشی که برای ماندن در آنجا می‌کند، اهل توکل است. هاجر که خود و فرزندش را در بیابان تنها دید، از پیامبر خدا پرسید آنها را در آن بیابان به که می‌سپارد و حضرت ابراهیم پاسخ داد آن دو را به خداوند می‌سپارد. هاجر نیز به خداوند توکل کرد و در آن مکان ماند. او زمان زیادی را صرف یافتن آب در آن بیابان کرد و به خواست خداوند و در پاسخ به تلاش و کوشش وی نه تنها به آب رسید که خیلی زود از تنهایی درآمد؛ زیرا قبیله جرهم به آن مکان کوچیدند و در کنار آنها زندگی کردند. (طبری، 1362، 190) در اینجا توکل هاجر نیز نمونه همان توکلی است که در پی تلاش و کوشش است.

مادر حضرت موسی نیز در به آب انداختن فرزند خویش به خداوند توکل کرد؛ چراکه خداوند به او الهام کرد فرزند خویش را به نیل بسپارد تا از شر دشمنان در امان باشد. او دختر خویش را در پی گهواره روان روی آب فرستاد تا از سرنوشت حضرت موسی مطلع شود. از این رو توکل مادر موسی هم از همان سنخی بود که پیامبر بدان سفارش کرده بود.

عرفا نیز در کتب خود بسیار به توکل پرداخته‌اند. توکل در لغت به معنای خود را به کسی یا چیزی سپردن است، اما در اینجا توکل به معنای عام آن در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه توکل به معنای خاص کلمه نزد عرفا مدنظر است. این در حالی است که نزد برخی عارفان مسلمان، توکل با آنچه پیامبر بدان پرداخته متفاوت است. به قول عزیزالدین نسفی؛ توکل یعنی کار خود به خداوند سپردن و بر او اعتماد و ایمان کامل داشتن است. به طوری که هرکه ایمانش قوی تر باشد، توکل وی درست تر است و حقیقت توکل آن است که بنده به یقین داند خداوند قادر به روزی رساندن به بندگان خود است؛ چراکه وعده کرده روزی بندگان بر من است و بنده بداند که خداوند خلف وعده نمی‌کند. (نسفی، 1381، 332)

سهل بن تستری در مقام توکل می‌گوید: «نشان توکل سه چیز است؛ آن که سوال نکند و چون پدیدار آید باز نزند و چون فراگیرد، ذخیره نکند و گویند اول مقام اندر توکل آن است که پیش قدرت چنان باشید که مرده پیش مرده شور. چنان که خواهد می‌گرداند مرده را هیچ ارادت و تدبیر و حرکت نباشد.» (سجادی، 1389، 27) از ذوالنون مصری درباره توکل پرسیدند و او گفت: «طمع از خلائق منقطع گردانیدن است...» (عطار، 1374، 157)

با توجه به قصص قرآنی و احادیثی که از پیامبر در این مورد به ما رسیده است، توکل آن نیست که آدمی دست از تلاش و کوشش بردارد و به روزی رساندن صرف خداوند توکل کند. ما در مقام انسانی مسلمان باید بیاموزیم که با توکل زندگی کنیم و توکل کردن را با تن‌آسایی خلط نکنیم. ما باید از همان عنفوان جوانی توکل را به کودکان خود تعلیم دهیم تا جامعه‌ای متفاوت و به دور از هرگونه بی‌دینی داشته باشیم؛ چنین جامعه‌ای ساخته نمی‌شود، مگر آن که انسان‌هایی کوشا و متوکل در آن بزنند و آن را آبادان کنند.

منابع:

مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، سیدضیاءالدین سجادی، چاپ شانزدهم، انتشارات سمت، 1389

تاریخ طبری، محمدبن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، انتشارات اساطیر، 1361

تذکرة الالهلبا، شىخ فبدالءب، عطاءنشاهى، تصحيح متن، تهضحات ه فمارى، از دکت محمد استعلام، انتشارات زهرا، 1374
کتاب الانسان الکامل، عزيزالدين نسفى، چاپ ششم، انتشارات طهورى،